



تلاش میکنم تا ز مندی یک جامعه مرفه در کشور
ساخته شده و مردم ما از بدبختی و نکتت تاریخی
باید.
ابوالحسن یاسر
رئیس حزب حرکت اسلامی متحده افغانستان

چهارشنبه ۲ میزان ۱۳۹۹ * ۲۳ سپتمبر ۲۰۲۰

شماره مسلسل پنجاه و ششم

مولفه های صلح باید ملی باشد



سرویس خبری هفته نامه «حاما» اخیراً مصاحبه‌ی را با محترم استاد شاه جهان احمدی معاون حزب حرکت اسلامی متحده افغانستان پیرامون موضوع صلح افغانستان انجام داده است که اینک متن آن به شرح زیر تقدیم می‌گردد.

جناب استاد احمدی با تشکر از شما که برای ما فرصت بخشیدید تا در رابطه با مسئله صلح گفتگویی داشته باشیم.

میدانید در حساس ترین شرایط کشور خود قرار داریم. شرایطی که سرنوشت کشور ما در حال تحول بسیار جدی است به عنوان سوال اول:

1 - چشم انداز مذاکرات صلح افغانستان را که در قطر برگزار شد چگونه می‌بینید؟

تشکر از دست اندر کاران هفته نامه حاما نقش مذاکره بین الافغانی مثبت و نقش مذاکره در شرایط کنونی یک گام بزرگ برای رسیدن به یک صلح با عزت است، هر چند صلح در شرایط فعلی یک امر پیچیده و بغرنج است و از جانب دیگر صلح بدون مشارکت همه اقشار ملت در ساختار دولت ممکن نیست که علت اساسی فعلی ما در کشور عدم موجودیت همدیگر پذیری است. متأسفانه عده‌ی نه به فکر مهار بحران است و نه به فکر کاستن مصیبت‌های وارده بر مردم و شهروندان کشورند هر دو طرف به فکر خودشان و منافعشان و هم چنان خواست بیرونی‌ها است که این مصیبت را در افغانستان بوجود آورده، عده‌ی شان طالب را ساختن و بعضی کشورها طالبان را تقویت کردن، تجهیز کردن هر

از جبهات دیده شد که نیروهای جنگی خود را بری تقویت طالبان فرستاده اند، بعضی کشورهای دیگر خود طالب را بوجود آوردند، به این فکر بودند که از طریق جنگ افغانستان را به زعم خودشان مطیع و فرمانبردار بسازیم غافل از اینکه مردم مسلمان افغانستان در هر برهه‌ی از زمان در مقابل دشمنان دین و وطنشان مردانه دفاع کرده و دشمن ستیز هستند.

چند زمان مهار آن دیر شده توانایی، کنترل، تشدید جنگ، کشتن، قتل و غارت را ندارند با آن هم این نشست را به فعال نیک مینگریم.

2 - نقش کشورهای خارجی را در باره صلح چگونه بررسی می‌کنید؟

متأسفانه کشورهای خارجی در مهار جنگ و قطع جنگ هیچ مؤثر نبوده بلکه دیده شده از جانبی طالبان را تجهیز کردند، تقویت نمودند مسلح ساختند و در افغانستان فرستادند حتی در بعضی

بررسی استراتژی‌های دو دهه اخیر آمریکا در افغانستان

زهرا محمودی



یاد داشت

بانو زهرا محمودی کارشناس روابط بین الملل طی پژوهشی سیاست‌های راهبردی دو دهه اخیر آمریکا در افغانستان را که شامل دوره‌های کار سه رئیس جمهور آمریکا: جورج دبلیو بوش، بارک اوباما و دونالد ترامپ می‌شود به بررسی همه جانبه گرفته است:

شایسته یادآوری میدانیم این تحقیق پیش از برگزاری مذاکرات صلح افغانستان انجام شده و صورت نوشتاری به خود گرفته است.

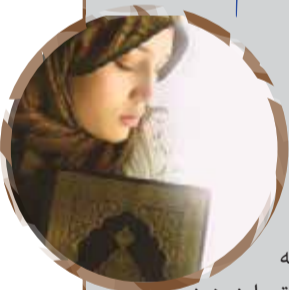
از آنجایی که استراتژی‌های آمریکا و کشورهای دخیل در قضیه افغانستان مانند روسیه، چین، پاکستان، هند و ایران از هر جهت حایز اهمیت می‌باشد، هفته نامه «حاما» اقدام به باز نظر این پژوهش نموده است امید می‌رود مقبول خوانندگان واقع شود.

پیشگفتار
تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان فرصتی برای سیاستمداران کاخ سفید بوجود آورد تا پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن جهان دو قطبی درصدد تحقق رویای ایجاد جهان تک قطبی در چهارچوب نظرات متفکرانی همچون فوکویاما در مورد جهانگیر شدن تفکرات لیبرالی برآیند تا آمریکا بتواند در یک مجموعه تحرکات در سطح جهان، قدرت فائقه خود را به نمایش گذارد. آمریکا بنیادگرایی اسلامی را در تقابل و مخالفت با قدرت هژمونیک خود تعبیر کرد و تعریف از دشمنان جدید را بر اساس رابطه و حمایت آنها از شبکه‌های تروریستی در نظر گرفت. به همین دلیل آمریکا با هدف گسترش نفوذ و کنترل افغانستان که به لحاظ معیارهای جغرافیایی و اقتصادی ژئوپلیتیک دارای اهمیت است، جنگ علیه تروریسم را مطرح کرد و حکومت طالبان را به دلیل حمایت از القاعده مورد هدف قرار داد. اهمیت افغانستان سبب شد تا آمریکا مفهوم "هارتلند ایدئولوژیک" را در کنار مفهوم قدیمی هارتلند (که دارای شاخص‌های جغرافیایی بود) به کار برد تا از این طریق، سیاست‌های خود در منطقه از جمله افغانستان را در قالب استراتژی خاورمیانه بزرگ پیگیری نماید.

ادامه صفحه سوم

زن در دوازدهمین کنفرانس اسلام

فرهاد محض یار



از آغازین روزهای طلوع خورشید اسلام در سرزمین جزیره‌العرب تاکنون، که آفتاب گرمابخش آن همه‌ی کوه‌ی خاکی را درنور دیده و در حال غلبه بر همه

مکتب‌های باطل و غیرالاهی است، این دین بزرگ همواره با مخالفت‌ها و دشمنی‌های گوناگون روبه‌رو بوده است؛ از جنگ‌ها و حمله‌های نظامی و سیاسی گرفته تا نبردهای تئوریک و به ظاهر علمی، همه خواسته یا ناخواسته به دنبال بازداشتن نیروی شگرف اسلام در بسط و تعمیق فرهنگ والای توحیدی و مانع‌تراشی بر سر راه تحقق مدینه‌ی فاضله‌ی اسلام بر محوریت قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام بوده است؛ یکی از بخش‌هایی که به صورت‌ها و از خاستگاه‌های گوناگون مورد نقد و ایراد مخالفان قرار گرفته، بخش فقه و به خصوص مباحثی است که تحت عنوان احکام زنان یا تفاوت‌های فقهی زنان و مردان، مطرح می‌شود؛ شبهات مختلفی با صورت‌بندی‌های مختلف مطرح می‌شود که هدف همه‌ی آنها بی‌اعتبار نشان دادن احکام فقهی، به‌ویژه در حوزه‌ی روابط اجتماعی، و در نتیجه تقلیل التزام مردم مسلمان به احکام دینی و ایجاد احساس بدبینی نسبت به آن، خصوصاً در میان بانوان، است؛ در این نوشتار به یکی از شبهات مطرح شده در فضای مجازی اشاره کرده و به اندازه‌ی فرصت موجود به نقد آن خواهیم پرداخت.

هرچند نمی‌توان انکار کرد که زنان همواره به علل گوناگون در جوامع مختلف مورد ستم واقع شده‌اند اما ادعای برتری مرد نسبت به زن و عدم رعایت حقوق او در دین اسلام ادعای بی‌پایه و سست است. این بحث‌ها غالباً یا حاصل نگاه‌های فمینیستی است یا رد پای نگرش‌های ضد زنانه در آن دیده می‌شود. کسانی که زن و مرد را بشناسند و تفاوت‌های موجود در استعداد، شخصیت و خلقت آن‌ها را دریابند به خوبی می‌دانند که این اختلاف‌ها به معنای نابرابری نیست و هرکدام آیه‌ای از آیات قدرت الهی است.

ادامه صفحه دوم

بیم و امید در مذاکرات صلح افغانستان



با گذشت یازده روز از آغاز مذاکرات صلح میان افغانان اما تا هنوز دو طرف مذاکره‌کننده بر سر طرز العمل و آجندای اجلاس مذاکرات به توافق نهایی نرسیده‌اند و حد اقل در دو ماده از بیست ماده آجندای مذاکرات اختلاف دیدگاه‌ها وجود دارد. اگر چه از سوی هیأت جمهوری اسلامی افغانستان دو گزینه تبدیل به طالبان پیشکش شده است اما با وصف برگزاری پنج دور نشست از سوی گروه‌های تماس هر دو طرف و رای زنی‌های آنها توافق کلی به دست نیامده است. گزارش‌ها می‌رساند گزینه‌های تبدیل حکومت افغانستان از جانب طالبان رد و یا تأیید نشده است. همچنان گروه تماس طالبان در نشست روز سه‌شنبه حضور پیدا نکرد.

گفته می‌شود نفس عدم انعطاف پذیری طالبان بر سر مواضع شان و تحمیل و عملی شدن آجندای آنها برای پیشبرد مذاکرات صلح مواضع اصلی بر سر نزدیک شدن دیدگاه‌های هر دو طرف می‌باشد.

دو مورد اختلافی، یکی پیشنهاد حل اختلافات بر بنیاد فقه حنفی در جریان مذاکرات و دومی، مادر قرار دادن توافق نامه صلح میان آمریکا و طالبان است که این گروه بر سر آنها با فشاری دارد. اگر چه دو مورد اختلافی پیشنهاد شده از سوی طالبان، بطور مشروط از جانب هیأت جمهوری اسلامی افغانستان پذیرفته شده است، اما کماکان این اختلافات با برجاست.

اداره حاما

چگونگی ایجاد حرکت انقلاب اسلامی

ابراهیم ورسجی

بخش نخست

بخشی از تاریخ شکل‌گیری احزاب جهادی افغانستان نگاه به تاریخ گروه‌های چپی و مذهب افغانستان؛ نشان می‌دهد که، در ده سال اخیر دوره پادشاهی چهل ساله ظاهر شاه که کمی فضای فرهنگی و سیاسی باز شده بود، گرایش‌های چپی روسی و چینی در دانشگاه‌ها و بل خود نمایان گردید و «سازمان جوانان مسلمان» به رهبری حبیب الرحمن دانشجوی پلتنیک هم در برابر آن‌ها سر بلند کرد. در دانشکده شرعیات هم، چند استاد از جمله: دکتر موسی توانا، غلام محمد نیازی، استاد ربانی و عبد الرسول سیاف و... محافظه کارانه فعالیت‌های مذهبی داشتند. از این نگاه که نفرت از بلشویک‌ها بخاطر اسلام ستیزی آن‌ها در آسیای میانه و پناهنده شدن جهادی‌های بخارایی به شمال افغانستان، ریشه در فرهنگ عامه دوانده بود و بخار را هم که پیش از حمله مغل بویژه در دوره ای‌ساما نیان، مرکز علمی- فرهنگی جهان اسلام شده بود، نهضت جوانان مسلمان در افغانستان با نگاه مردمی پیدا کرد و من هم عضو آن شده بودم.

در واقع، همان عضویت با عث شد که بعد از کودتای ۱۳۵۷، به پشاور بروم. در پشاور، هم با استاد ربانی هم با حکمتیار دیدارها و گفتگوهای طولانی داشتم. دیدارها و گفتگوهای که مرا منتقد آن‌ها ساخت. در گفتگوها و انتقادها از استاد ربانی و حکمتیار، دوپرسمان را هرگز فراموش نمی‌کنم: نخست، تحمل و انتقاد پذیری بی‌عمل استاد و انتقاد نا پذیر حکمتیار؛ دوم، ساخته شدن احقنا نه‌ای حرکت انقلاب اسلامی برای مولوی نبی توسط آن‌ها! مثلاً، روز هفتم ماه میزان سال ۱۳۵۷ بود که پیام استاد ربانی را دریافت نمودم که از من تقاضا شده بود به دفتر فقیرانه اش به فقیرآباد بروم که رفتم و دیدم دوستانی چند کنار هم نشسته‌اند و استاد هم سخن گفتن را آغاز کرد. البته درباره موضوعی که تا کنون از تروریسم برخاسته از آن نجات یافته‌ای نمی‌توانیم خود استاد هم قربانی آن شد!

ادامه صفحه چهارم

وقتی نیت خراب شد توبه به خدا پیدا نمیشود و دیگران هم به واسطه این فرد هدایت نمیشوند.

محقق

یادداشت کوتاه درباره صلح

1- پروسه صلح بدون تردید متعلق به سرنوشت تمام مردم افغانستان است. هرگونه اغفال و عدم احساس مسئولیت نسبت به صلح، خیانت جبران ناپذیر به سرنوشت خودمانیزمی باشد. عبارت دیگر، اگر پروسه صلح راجدی نگیریم در واقع نسبت به سرنوشت سیاسی- اجتماعی مان غفلت ورزیده ایم، در این صورت- که سرنوشت سیاسی- اجتماعی ما مبتنی بر حاکمیت ملی رقم نخورد- مسؤل امروز و تاریخ آینده کشور خویش خواهیم بود. بنابراین پروسه صلح راجدی گرفته و عاقلانه با آن مواجه داشته باشیم.

2- شهدای را که ما برای استقلال، آزادی، حاکمیت ملی، دفع بیاد و در مسیر تأمین عدالت و دفاع از ارزش های اسلامی قربانی کرده ایم و آنها با خون مقدس و سرخ خود حیات اسلام و حاکمیت ملی ما را تضمین کرده است فرزندان آنها تیم و زنان شان سیه شده اند و آن همه سنگنج ای که مردم مادر زندان رژیم های سفاک و خونخوار شده اند و تا هنوز بوی گوشت از سنگنج گاه ها جلادان خلق و پرچم به مشام میرسد. تمام دستاوردهای خون شهداء آن بود که حاکم بر سرنوشت خود باشیم و حاکمیت ملی ما نقض نشود و در تعاملات جهانی فعال باشیم و اینک همه با هم برای حفظ این دستاورد با هیچ شویم و به هیچ معامله کوری اجازه ندیم که ارزش های جهاد و مقاومت ما را معامله کند.

3- جنگ های چندین ساله آسیب جدی به کشور ما وارد ساخته است. اکنون به جنگ و خون ریزی نه گفته، به صلح بی اندیشیم. اگر با صلح قطع جنگ نرسیم، ویرانی ها، آسیب ها و تلفات مادی و معنوی قابل ترمیم و جبران نخواهد بود. تنها راه اسی صلح و برادری و اخوت است که می توانیم به بحران ما خاتمه بخیم اما وقت کنیم که صلح هم هزینه بردار است آتقدر هزینه صلح را عمده نسازیم که صلح برتر از جنگ، شست ملی، وحدت و حیات ملی را نقض کند. ما برای حیات ملی مان به صلح نیاز مندیم نه اینکه صلح زمینه ساز بحران های عمیق تر و جدی تر در کشور گردد و تا افغانستان را از لحاظ تجزیه تهدید کند و هر فرد این کشور صلح را بر محور حیات و اقتدار ملی میجوهد.

مولفه های صلح باید ملی باشد

ادامه

متأسفانه مدتی است که در افغانستان دست های پنهان و آشکار خارجی ها نه تنها دیده می شود بلکه علناً در امور داخلی کشور ما مداخله می کنند امیدوارم که کشور های خارجی تمام قواعد و مقررات بین الملل را رعایت نمایند و حاکمیت ملی ما را محترم بشمارند و در امور داخلی ما مداخله نکنند.

3 - مذاکرات صلح میان افغانان منتج به نتایج خواهد شد که در آن تأمین صلح و ثبات پایدار در افغانستان را شاهد باشیم؟ البته به نتایج مذاکره باید خوشبین بود هر گاه مذاکرات به یک آتش بس دایم و صلح عادلانه برسد. مسلم است که نتیجه پربار دارد امنیت بوجود می آید مسایل اقتصادی رشد میکند در صورتیکه تمام افغان ها در کنار هم به سمت و سوی یک افغانستان آزاد، آرام و با سعادت گام بردارند.

4 - از نظر شما مؤلفه های صلح پایدار و عادلانه چه خواهد بود؟ ما امروز در قدم اول به یک فرهنگ صلح نیاز داریم، صلح پایدار، عادلانه، مؤلفه های صلح باید ملی باشد تا تمام شهروندان کشور در آیین صلح خود را ببینند، شما میدانید که صلح و امنیت در کشور ها مستلزم، تثبیت یک نظام سیاسی مردمی می باشد، صلح طوری مهندسی شود که مطابق خواست های مردم و منطبق بر ارزش های دینی، ملی و عقلانیت امروز باشد صلح که امروز آغاز شده ادامه آن با مالکیت افغانها خاتمه پیدا کند. تا از مداخلات بیرونی مصئون باشد، صلح نیاز مبرم مردم ما است. متعلق به مردم افغانستان است، مجامع بین الملل کشور های همسایه، منطقه و دوستان بین المللی فقط تسهیل کننده باشند و نه مداخله گر.

5 - از دید شما چالش های که منافی با صلح باشد یا صلح را تخریب کند کدام ها خواهند بود؟ متأسفانه چالش های زیادی موجود است که مقامات ذیصلاح توجه جدی نمایند.

زن در از نای تفکر اسلام

فرهاد محض یار

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با تکیه بر وحی، دینی را برای بشر به ارمغان آورد که زن در آن به اندازه مرد، دارای احترام و منزلت است. حقوق و تکالیف زن و مرد در دین اسلام بر پایه ای- اشتراکات و تفاوت های فطری و تکوینی و با هدف تنظیم حکیمانه ی روابط اجتماعی صورت بندی شده است.

با ظهور دین مبین اسلام و با تعالیم بلند و حیانی و تلاش های طاقت فرسای پیامبر و امامان علیهم السلام آرام آرام تمام ضدیت ها، نگرش های منفی و تحقیرهایی که نسبت به شخصیت زن روا داشته می شد، به پایان رسید و احترام و حقوق کامل به زنان و شخصیت آن ها بازگشت. اسلام شخصیت زن را محترم شمرد و او را مظهر جمال خداوند معرفی کرد. زن در ذهن، زبان و رفتار پیشوایان دینی جایگاهی ارجمند یافت. اسلام حقوق انسانی زن را به رسمیت شناخت و بر آن پای فشرده. در نظام انسان شناسی اسلام زن و مرد شخصیتی یکسان دارند و هیچ تفاوت ارزشی میان آن ها وجود ندارد. آری! از آنجا که زن و مرد با وجود اشتراکات فراوان در ابعاد مختلف، تفاوت های غیرقابل انکاری هم دارند، نظام حقوقی اسلام با در نظر گرفتن اشتراکات و تفاوت ها، حقوقی مساوی اما غیرمشابه برای آنان در نظر گرفته است.

حق حضور در عرصه های اجتماعی، سیاسی

اسلام حضور زن در جامعه و پرداختن به امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را جایز می داند؛ هرچند این امر را مشروط به حفظ عفت می کند. البته این شرط نیز احترام به شخصیت زن است و هیچ محدودیتی به همراه نمی آورد. ذکر چند نمونه تاریخی از صدر اسلام



1 - تیم مذاکره کننده در برگزیده نماینده اقشار مردم نیست و تعداد احزاب و نهاد های سیاسی اجتماعی و نماینده های شان در تیم حضور ندارند. ای کاش قبل از رفتن تیم دولت موافقت میکرد.

2 - صلح بین الافغانی است اما دیده شد که عده کشور های خارجی اعم از همسایه ها کشور های منطقه و فرا منطقه ای در امور صلح مداخله می کنند.

3 - تیم مذاکره کننده باید ممثل اراده اکثریت قاطع مردم افغانستان می بود که متأسفانه در این زمینه توجه نشد.

4 - این مجموعه نماینده گی از اقوام، ملیت های مختلف و احزاب سیاسی نمی کند و فراگیر نیست بسود یک صلح عادلانه و واقعی نمی باشد.

5 - هر گاه مذاکره صادقانه نباشد و اغفال کننده باشد خود چالش بزرگی در راه صلح است.

6 - تیم مذاکره کننده ضعیف است و باید یک تیم قوی و با تجربه می بود.

7- بافت و ترکیب شورای عالی مصالحه ملی در بر گیرنده همه اقشار مردم، احزاب سیاسی و نهاد های اجتماعی و مردمی نمی باشد که در زمینه ترکیب عدالت اجتماعی رعایت گردد و نیز در رابطه اعضای شورای عالی مصالحه تجدید نظر صورت گیرد.



1 - تیم مذاکره کننده در برگزیده نماینده اقشار مردم نیست و تعداد احزاب و نهاد های سیاسی اجتماعی و نماینده های شان در تیم حضور ندارند. ای کاش قبل از رفتن تیم دولت توجه میکرد.

2 - صلح بین الافغانی است اما دیده شد که عده کشور های خارجی اعم از همسایه ها کشور های منطقه و فرا منطقه ای در امور صلح مداخله می کنند.

3 - تیم مذاکره کننده باید ممثل اراده اکثریت قاطع مردم افغانستان می بود که متأسفانه در این زمینه توجه نشد.

4 - این مجموعه نماینده گی از اقوام، ملیت های مختلف و احزاب سیاسی نمی کند و فراگیر نیست بسود یک صلح عادلانه و واقعی نمی باشد.

5 - هر گاه مذاکره صادقانه نباشد و اغفال کننده باشد خود چالش بزرگی در راه صلح است.

6 - تیم مذاکره کننده ضعیف است و باید یک تیم قوی و با تجربه می بود.

7- بافت و ترکیب شورای عالی مصالحه ملی در بر گیرنده همه اقشار مردم، احزاب سیاسی و نهاد های اجتماعی و مردمی نمی باشد که در زمینه ترکیب عدالت اجتماعی رعایت گردد و نیز در رابطه اعضای شورای عالی مصالحه تجدید نظر صورت گیرد.

بررسی استراتژی‌های دو دهه اخیر آمریکا در افغانستان



راه دولت وی در برخورد با جنگ افغانستان تحت عنوان "افپاک" مطرح شد. سه متغیر مهم سیاست افپاک اوباما، برچیدن پناهگاه‌های امن القاعده، مقابله با قدرت طالبان و تقویت نیروهای امنیتی افغانستان بود. هدف این سیاست از بین بردن، انهدام و شکست دادن القاعده و پناهگاه‌های امن آن در پاکستان و جلوگیری از بازگشت آنها به پاکستان یا افغانستان اعلام شد. اوباما معتقد بود باید برای جنگ در افغانستان و پاکستان متمرکز مانیم چرا که جنگ ما علیه القاعده است. بر اساس این سیاست، منطقه‌ای که پاکستان و افغانستان در آن قرار داشتند، خطرناک‌ترین منطقه جهان لقب گرفت و تلاش برای رهایی این منطقه از تهدیدهای موجود در دستور کار وی قرار گرفت. اوباما در چارچوب سیاست افپاک، در سال 2010 و با هدف آنچه خاموش ساختن شعله‌های جنگ افغانستان می‌خواند، دستور اعزام 30 هزار سرباز آمریکایی را به افغانستان صادر نمود. در ماه سپتامبر 2010، تعداد نیروهای خارجی در افغانستان به 100 هزار نفر رسید. اوباما اعلام کرد بعضی از این نیروهای جدید به آموزش نیروهای امنیتی افغانستان جهت ایجاد شرایط انتقال مسئولیت به افغان‌ها کمک خواهند کرد. او هم‌چنین موضوع خروج نیروهای ایالات متحده از افغانستان را از ژوئیه 2011 مطرح نمود.

پیامدهای این حمله و استراتژی بوش بود. بنابراین در پایان دوران ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، نه از ساخته شدن افغانستان با الگوی ژاپن خبری بود و نه از امنیت ادعائی کاخ سفید برای افغانستان. در چنین شرایطی بود که اوباما، کاندیدای ریاست جمهوری از حزب دموکرات در آن زمان در کمپین‌های انتخاباتی خود اعلام کرد که تا پایان دوره ریاست جمهوری خود، نیروهای آمریکایی را از افغانستان خارج می‌کند و به این جنگ پایان خواهد داد.

1-2 استراتژی باراک اوباما در قبال افغانستان
اوباما در طی دوران ریاست جمهوری خود برای پیگیری و عملیاتی نمودن راهبردهای کاخ سفید در قبال افغانستان، اقدام به اتخاذ طرح‌ها و اقدامات امنیتی - نظامی متعددی نمود. سیاست دولت اوباما در چهار سال اول ریاست جمهوری او در قبال افغانستان، در قالب اعلام استراتژی افپاک، امضای پیمان استراتژیک میان افغانستان و آمریکا در سال 2012، واگذاری مسئولیت نظامی به نیروهای افغان و خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از افغانستان و پیگیری مذاکرات صلح با طالبان قابل ذکر می‌باشد:

اعلام استراتژی افپاک: با حضور باراک اوباما در کاخ سفید، جنگ افغانستان به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت وی مطرح گردید. در همین چارچوب، سیاست جدید اوباما در مورد افغانستان و پاکستان به عنوان نقشه

ممانعت به عمل آورد. ایران دیگر کشوری است که آمریکا با حضور در افغانستان، درصدد مهار و محروم کردن آن از مزایای دسترسی به بازار انرژی منطقه بوده است تا از جایگاه استراتژیک و ژئوپلیتیک آن کشور بکاهد. استراتژی ایالات متحده در قبال افغانستان پس از سال 2001 تاکنون را می‌توان در سه دوره بررسی نمود: دوره ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، دوره ریاست جمهوری باراک اوباما و دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ که در ذیل به تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

1-1 استراتژی جرج دبلیو بوش در قبال افغانستان
اندک زمانی پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر 2001، جورج دبلیو بوش رئیس جمهور وقت آمریکا، به طالبان در افغانستان هشدار داد تا نیروهای القاعده را به عنوان عاملان این حادثه به آمریکا تحویل دهند. عدم پذیرش این درخواست موجب شد نیروهای آمریکایی در هفتم اکتبر سال 2001، در عملیاتی تحت نام «عملیات آزادی پایدار» به افغانستان حمله کنند. جرج بوش سایر کشورهای متحد آمریکا را با شعار «یا با ما هستید و یا با تروریست‌ها»، با خود همراه کرد و ادعا نمود افغانستان را مطابق الگوی ژاپن خواهد ساخت و این گونه متحدین خود را به بهانه سرکوب تروریست‌ها به باتلاق افغانستان کشانید. آمریکا تا ماه نوامبر 2001، نزدیک به یک هزار نیروی نظامی خود را به خاک افغانستان اعزام کرد که این تعداد تا پایان سال 2002 به بیش از 10 هزار نفر رسید. آمریکا در ادامه و در سال 2002، «جنگ علیه ترور» را به عنوان پایه دکترین جرج دبلیو بوش در سند امنیت ملی آمریکا مطرح نمود. تنها استدلال رسمی آن زمان مقامات آمریکایی برای افزایش نیروهای نظامی خود در افغانستان یک چیز بود، مبارزه با گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان و بازگشت آرامش و امنیت به این کشور. در سال 2008 فرماندهی نیروهای زمینی آمریکا در افغانستان، خواستار طرح راهبردی برای مقابله مؤثر با گروه طالبان شد و جورج بوش، دستور اعزام نیروهای نظامی بیشتری را به افغانستان صادر کرد و تا نیمه سال 2008 شمار نیروهای آمریکا در خاک افغانستان به 48 هزار و 500 نفر افزایش یافت. بسته شدن تمامی کمپ‌های تروریستی و دستگیری و یا مرگ تروریست‌ها که از اهداف حمله به افغانستان بود، در عمل اجرایی نشد. در حقیقت، علی‌رغم کشته و اسیر شدن تعدادی از اعضای القاعده، نه تنها هم رهبران و اعضای القاعده و طالبان در خاک افغانستان حضور داشتند و هم کمپ‌های آنها به طور کامل برچیده نشد، بلکه کشته و زخمی شدن شهروندان افغانستان، ویرانی این کشور، گسترش ناامنی، فساد، کشت موادمخدر، ادامه قدرت نمایی طالبان و البته حضور مستقیم نیروهای آمریکا در افغانستان

چکیده

پس از برگزاری چندین دور مذاکرات صلح میان آمریکا و طالبان، بالاخره در 29 فوریه 2020، «موافقتنامه رسیدن به صلح در افغانستان» میان آمریکا و امارت اسلامی امضاء گردید. قرار شد که پس از امضای این توافق‌نامه، گفتگوهای بین‌الافغانی نیز آغاز شود که به دلیل اختلافات ناشی از نتایج انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و عدم معرفی تیم مذاکره کننده به دلیل بحران سیاسی موجود، تاکنون این گفتگوها آغاز نشده است. (این گفتگوها زیر نام «مذاکرات صلح افغانستان» هفته گذشته در شهر دوحه پایتخت کشور قطر با شش ماه تأخیر آغاز شد) در این میان، خلیل زاد به عنوان نماینده آمریکا در مذاکرات صلح، اقدام به ارتباط-گیری با برخی کشورهای منطقه در ارتباط با روند صلح نموده است. نوشتار حاضر سعی دارد ضمن مرور استراتژی‌های دو دهه اخیر آمریکا در افغانستان، به تبیین و تحلیل مذاکرات صلح آمریکا و طالبان، اهداف واشنگتن در این گفتگوها و نگاه بین‌المللی و منطقه‌ای به رویکرد آمریکا در فرآیند صلح افغانستان بپردازد.

1- استراتژی ایالات متحده در قبال افغانستان از سال 2001 تاکنون اشغال افغانستان فرصتی برای سیاست-مداران آمریکا بوجود آورد تا پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن جهان دو قطبی درصدد تحقق رویای ایجاد جهان تک قطبی در چهارچوب نظرات متفکرانی همچون فوکویاما در مورد جهانگیر شدن تفکرات لیبرالی برآیند تا آمریکا بتواند در یک مجموعه تحرکات در سطح جهان، قدرت فائده خود را به نمایش گذارد. آمریکا بنیادگرایی اسلامی را در تقابل و مخالفت با قدرت هژمونیک خود تعبیر کرد و تعریف از دشمنان جدید را بر اساس رابطه و حمایت آنها از شبکه‌های تروریستی در نظر گرفت. به همین دلیل آمریکا با هدف گسترش نفوذ و کنترل افغانستان که به لحاظ معیارهای جغرافیایی و اقتصادی ژئوپلیتیک دارای اهمیت است، جنگ علیه تروریسم را مطرح کرد و حکومت طالبان را به دلیل حمایت از القاعده مورد هدف قرار داد. اهمیت افغانستان سبب شد تا آمریکا مفهوم «هارتلند ایدئولوژیک» را در کنار مفهوم قدیمی هارتلند (که دارای شاخص‌های جغرافیایی بود) به کار برد تا از این طریق، سیاست‌های خود در منطقه از جمله افغانستان را در قالب استراتژی خاورمیانه بزرگ پیگیری نماید. (جوادی‌ارجمند، 1398)

باید در نظر داشت که حمله آمریکا به افغانستان، شرایط حضور نظامی این کشور در منطقه را عینیت بخشید. آمریکا تلاش کرد از این فرصت جهت جلوگیری از ایجاد هر نوع اتحاد منطقه‌ای روسیه با کشورهای منطقه استفاده نماید و از پیشروی چین به سمت غرب و آسیای مرکزی

افغانستان و موج دوم کرونا

است. بر بنیاد آمارهای وزارت صحت عامه 38897 رویداد مثبت ویروس کرونا در کشور به ثبت رسیده است که از این میان 1437 نفر بیمار COVID-19 جان باخته اند و 32576 نفر بهبود یافته اند. نگرانی‌ها از رسیدن موج دوم ویروس کرونا در حالی مطرح می‌شود که تمام محدودیت‌ها به خاطر جلوگیری از مصاب شدن به این مرض پر خطر برداشته شده اند. فعال شدن دانشگاه‌ها، مکاتب، تالارها و دیگر اماکن عمومی نگرانی‌هایی را از بهر همه گیر شدن دوباره ویروس کرونا برانگیخته است.

از سوی دیگر بانک توسعه آسیایی از کمک 100 میلیون دلاری این بانک برای افغانستان به منظور مساعدت به افراد و خانواده‌های که در گذشته از مصاب شدن به مرض کرونا آسیب دیده اند خبر می‌دهد.

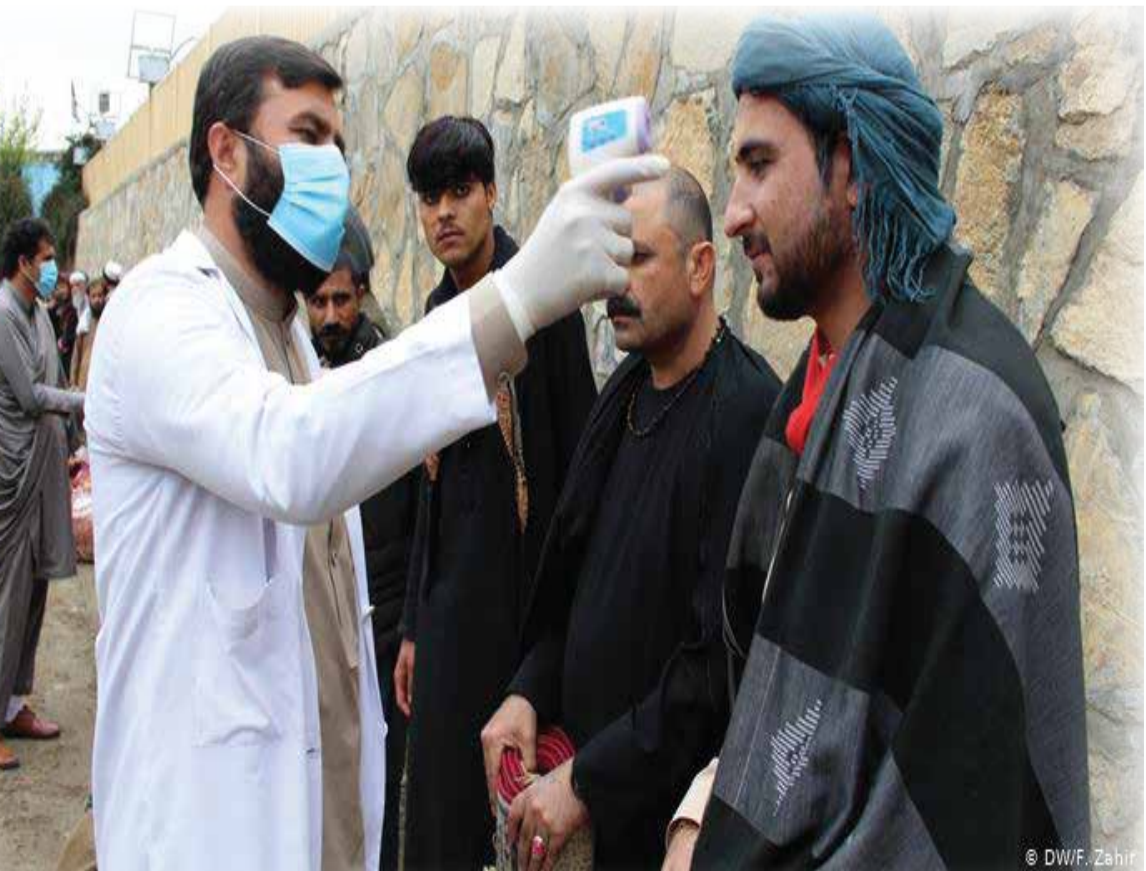
از آغاز شیوع مرض کرونا تا کنون بیش از یک میلیارد دلار از سوی کشورها و نهاد های معتبر جهانی به منظور مبارزه با انتشار این مرض به افغانستان مساعدت صورت گرفته است اما با توجه با موجودیت فساد گسترده در ادارات دولتی به ویژه وزارت صحت عامه، مردم متضرر از ناحیه شیوع مرض کرونا کمترین بهره را برده اند.

وزارت صحت عامه هشدار می‌دهد که با سرد شدن هوا در کشور موج دوم ویروس کرونا گسترش خواهد یافت. سرپرست وزارت صحت عامه در یک نشست خبری در شهر هرات سخن می‌گفت بیان داشت که سرما، آلودگی هوا و بیماری‌های فصلی سبب شیوع گسترده ویروس COVID-19 در کشور خواهد شد. پزشکان می‌گویند که با انتشار موج دوم کرونا در افغانستان، کهن سالان و کسانی که تا کنون به ویروس COVID-19 مبتلا نشده اند در معرض دچار شدن به این ویروس قرار دارند.

علی احمد عثمانی می‌گوید نظر به محاسبات احصایوی که در کشور های اورپایی و آمریکا صورت گرفته است نشان می‌دهد که شدت مرض کرونا نسبت به فصل گرما بیشتر می‌شود به همین خاطر امکان قوی وجود دارد که ما به موج دوم کرونا مواجه شویم.

سرپرست وزارت صحت عامه به مردم اطمینان می‌دهد که این وزارت امکانات و بودجه کافی برای مبارزه با موج دوم ویروس کرونا در اختیار دارد و در صورتی که موج دوم این مرض فرارسد تشویش جدی بخاطر نبود و کمبود ادویه، تجهیزات طبی و آکسیجن وجود ندارد.

گزارش‌ها می‌رساند که در دو هفته اخیر افزایش خفیف ویروس کرونا در کشور به ثبت رسیده



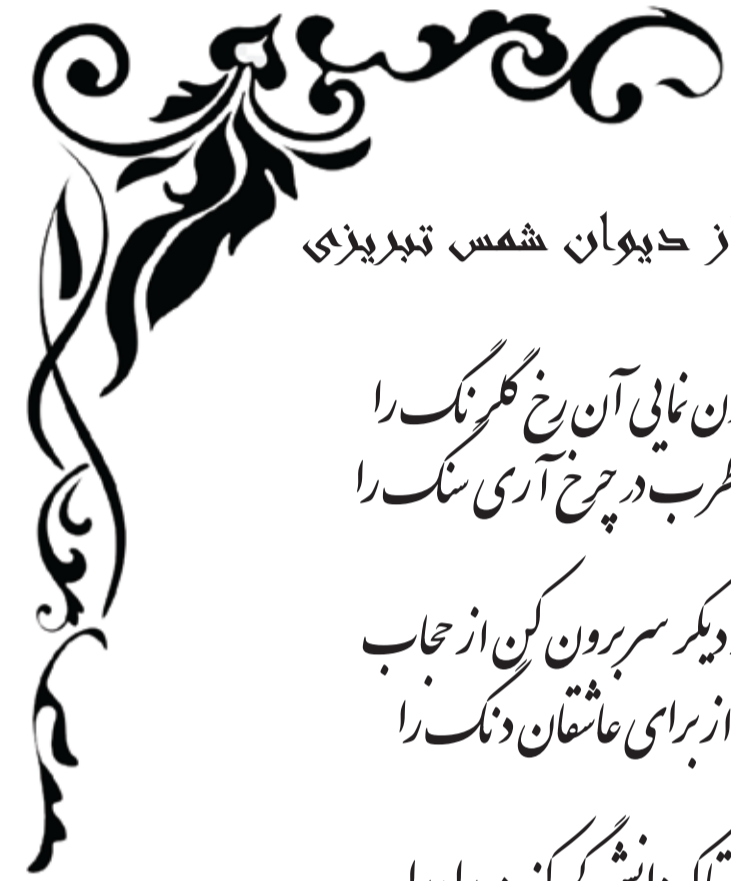
هر کس از برادر دینی خود یک غم و گرفتاری را بر طرف
کند، خداوند در قیامت غم ما و گرفتاری هایش را بر
طرف میکند - هر مقدار که باشد - در آن روز انسان چه
غم های دارد.
علی بن الحسین (ع)

صاحب امتیاز: حرکت اسلامی متحد افغانستان (حامد)
مدیر مسوول: غلام علی صادم
سر دبیر: محمد عیسی سروش
گزارشگران: حامد
گروه نویسندگان: عزیزالله طهماسی، انجینیر فلاح، فرهاد
محض یار
طراح: محمد شفیع عزیززاده
نشانی:
کارته سه، کوچه مقابل ناحیه شش شاروالی، دست راست خانه سوم
نشانی برقی:
info@uaimp.com
Web: www.uaimp.com

چگونگی ایجاد حرکت انقلاب اسلامی

ابراهیم ورسجی

بطورنمونه، استاد فرمود که حکمتیاریم خواهد که با انحلال حزب اسلامی
و جمعیت اسلامی وسا ختن حرکت انقلاب اسلامی به امارت مولوی نبی، به
مبارزه علیه رژیم کمونیستی ادامه دهیم؛ و ابراز نظر در زمینه توسط افراد
نفسه در نشست آغاز شد. وقتیکه نوبت ابراز نظر به من رسید، بد و مسئله
با تا کید تمرکز کردم: نخست، «حرکت انقلاب اسلامی» متشکل از جمعیت
و حزب ادامه پیدا کرده نمی تواند؛ دوم، به مولوی نبی گروه سازی نه نما
یید که بعد ترهم برای جمعیت هم برای حزب زبان بخش تمام می شود.
محمد جان احمد زی لوگری گفت که حرکت انقلاب اسلامی با امارت مولوی
نبی، به نفع جمعیت اسلامی می باشد.
بارد نظر احمد زی لوگری، به استاد گفتم که درست است که شما و حکمتیار با
هم مخالفت و رقابت دارید، اما سر نخ نان در جماعت اسلامی به رهبری میا
طفیل محمد، جانشین مولانا سید ابو اعلی مودودی بسته است و مولانا مفتی
محمود امیر جمعیت العلماء اسلام در پاکستان رقیب و مخالف آن ها می باشد.
شده بنا بر آن، اگر برای مولوی نبی حرکت انقلاب اسلامی را بسازید، بزودی می
پا شد و جمعیت و حزب در راه های خود می روند و حرکت انقلاب اسلامی
دست ساخت شما می افتد بد ست مولانا مفتی محمود. نظرا استاد نه پذیرفت
یرفت و دو یا سه روز بعد در یک مسجد، در پشاور، حرکت انقلاب اسلامی
اعلام و مولوی نبی درس خنرانی افتتاحیه ای خود این شعرا خواند:
من کجا و دست گل چیدن کجا ای باغبان
نا له ای بلبل مرا اینجا به زور آورده است!



نخل از دیوان شمس تبریزی

حون نمایی آن رخ گلرنگ را
از طرب در چرخ آری سنگ را

بار دیگر سربرون کن از حجاب
از برای عاشقان دنک را

تا که دینش کم کند مر راه را
تا که عامل بسکند فرسنگ را

تا که آب از عکس تو کوهر شود
تا که آتش واحد مر جنک را

من نخواهم ماه را با حسن تو
وان دوسه قندیلک آونک را

من نکویم آینه باروی تو
آسمان کهنه پیرزنک را

درومیدی و آفریدی باز تو
سکل دیگر این جهان تنک را

در هوای چشم حون مریخ او
سازده ای زهره بار آن چنک را

بعد از آموختن زبان اردو به پشاور آمد و در مهمان خانه حکمتیار در عقب مسجد سفید
جا یگزین شدم و او از من گا می پرسان نکرد که به حزب وفا دار هستی یا نه؟ از اینکه
عضو جوانان مسلمان بودم و حزب و جمعیت هر دو از آن ساخته شده بود ند، دوستا نی
در هر دو گروه داشتم و تا کنون هم دارم. از همان مهمان خانه، به کرسی انگلیسی می رفتم
وزبان انگلیسی خود را بهتر ساختم. نا گفته نما ند که، در همان مهمان خانه، دفتر فرهنگی
حزب اسلامی هم بود و بدون نام کمی مقاله نویسی برای جریده ای شهادت هم می کردم.
در دفتر فرهنگی، یک کابلی بود و گفت که خواهرزاده و داماد ابراهیم صفا می باشد
و در منزل دوم آن یک ایرانی مهمان بود. داماد صفا از من خواست که با ایرانی گفت گو نما
یم که کردم و او را انسان بسیار آگاه با فتن و از سابقه اش پرسان کردم و گفت که تا مش ابراهیم
اصغری و از بنیان گذاران سازمان مجاهدین خلق بود و از آن بریده است.
از این که آن ایرانی را بسیار آگاه یافتم، خواستم نظرش را درباره استاد ربانی و حکمتیار،
بدانم و گفت که با هر دو گفت و گو کرده و دریافته است که اولی اندیشه دارد و دستش
باز است و شعرا نمی دهد و در آینده کمتر بی حیثیت می شود دومی اندیشه ندارد و دستش
بسته است و شعرا می دهد! بنا بر آن، در آینده افغانستان، بسیار بی حیثیت می شود! همان
ایرانی از من خواست که از این دو گروه جهادی فاصله بگیرم. در غیر آن، گفت زنده ات نمی
گذارند! به آن ایرانی که دوستم شده بود، گفتم مرا که تفکر انتقادی نسبت به آن ها دارم
نمی کشند اما اعتماد نمی کنند؛ و من هم زبان اردو را آموختم و مصروف تقویت زبان
انگلیسی می باشم و ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان به وزارت آموزش و پرورش
فرمان داده است که دانشجویان و دانش آموزان مهاجر افغانستانی را در مراکزهای ابتدای
و در میانی و دانشگاهی جذب نما ید تا تحصیل خود را تکمیل کنند. در این راستا، در
کمیته های مهاجرین در پشاور و کویته هم بخش آموزشی راه اندازی شده بود.
جالب این است که، وقتیکه د بیر بخش آموزشی کمیته ی مهاجرین را در پشاور د پدم،
بسیار خوب از من استقبال کرد و گفت که صد ر / رئیس جمهور امر جد ب دانشجویان
مهاجران را داده است و من پیام به سازمان های جهادی افغانستانی دادم و پاسخی
نکرتم. بنا بر آن، بسیار خرسند شدم که خود ت به این دفتر آمده ای و مرا به وزارت آموزش
و پرورش معرفی و در بخش فوق لسان علوم سیاسی دانشگاه پنجاب پذیرفته شدم. قابل
تذکری دادم که، قاضی حسین احمد رهبر جماعت اسلامی پاکستان که فارسی زبان بود
و قبلا امیر جماعت در ولایت سرحد بود؛ با شناختی که از من پیدا کرده بود در شمولیتم در
دانشگاه کمک مالی برابم کرد.
سال ها بعد از آنکه کابل به اثر جنگ های تنظیمی ویران شد به پشاور برگشته "جهاد
افغانستان و جنگ سرد قدرت های بزرگ" را در دو جلد، از بازی بزرگ هند بریتانیا و روسیه
ای تزاری، تا اداره کزنی نوشتم" و به لاهور رفته به جناب قاضی هد به کردم. کتاب دو
جلدی را گرفت و عنوان و فصل ها را د بد و تشکر کرد و دو روز هم مهمان آن بزرگوار در
منصوره لاهور بودم. سال ها بعد، وقتیکه، در آتیا / یا پخت کا نا دا، خبر مرگ آن بزرگ
مرد د بنی را از طریق رسا نه ها شنیدم، گریستم!
تَشْکُرُ لِرُوحِهِ تَانِ
وَالسَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ
ادامه دارد

